



در درس گذشته با باورهای شیعی در دو سطح اصول و فروع آشنا شدیم و گفتیم که اصول به باورهای عرصه فکر و اندیشه و فروع به باورهای عرصه عمل و فعالیت مربوط است. این باورها در طول تاریخ جایگاه و نیروی اجتماعی ویژه‌ای به تشیع بخشیده و حرکت‌های سیاسی آنها را سامان داد. عملکرد سیاسی و حرکت اجتماعی این نیرو از سویی تابع وضع درونی و توان داخلی آن بود و از سویی دیگر به جایگاه آن در مقایسه با دیگر نیروها بستگی داشت. در این درس ویژگی‌های عملکردهای جریان تشیع را در آغاز و در دوره‌های بعد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱ | ستیز مستمر امامان شیعه

دوره حضور امامان شیعه با وجود فراز و فرودهای سیاسی و اتخاذ روش‌های متفاوت از جانب امامان، از این ویژگی مشترک یعنی عدم همراهی با نظام حاکم و اتخاذ سیاست منفی و یا در صورت لزوم، مبارزه با استبداد برخوردار بود؛ استبدادی که رفتار خود را به نام دین و دیانت و سنت بر مردم تحمیل می‌کرد. گواه این مدعا، به شهادت رسیدن یازده امام شیعه و تبعات سیاسی شهادت آنان است.

اوج ستیز آشکار تشیع با حاکمیت در قیام خونین امام حسین علیه السلام و اسارت خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله متجلی است. واقعه کربلا حادثه‌ای است که مشروعیت خلافت موجود را بیش از پیش در جامعه اسلامی خدشه‌دار می‌سازد و سرمشمقی شایسته برای همه ستیزه‌هایی می‌شود که از آن پس در تاریخ اسلام شکل می‌گیرد.



با توجه به آموخته‌های خود در درس‌های دیگر، چند مورد از عملکردهای سیاسی مثبت و منفی امامان علیهم‌السلام را با یکدیگر مقایسه نمایید.  
همچنین می‌توانید به کتاب «انسان ۲۵۰ ساله<sup>۱</sup>» که دربارهٔ زندگی سیاسی و مبارزاتی ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام است مراجعه کنید.

.....

.....

.....

.....

.....

## ۲ | هدفمند بودن مبارزه

امامان معصوم از مبارزه علیه حاکمان جور، اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌کردند. آنان بر اساس اصول اعتقادی تشیع، خلافت زمان خود را تأیید نمی‌کردند و با نامشروع خواندن آن، مبارزه با آن را وظیفه خود می‌شمردند. اما این مبارزه، هدف اصلی حرکت سیاسی تشیع نبود، بلکه مهم‌تر از آن، حفظ سنت و آیین اسلام و انتقال پیام آن به نسل‌های آینده بود. از این رو هرگاه همراه نشدن با خلافت و حتی مبارزه و رویارویی با آن، موجب از بین رفتن اساس سنت و آسیب دیدن اصل اسلام می‌شد، برای بقای اسلام و حیات اجتماعی آن، از درگیری مستقیم با حاکمان خودداری می‌کردند و با استفاده از موقعیت‌ها، زمینه‌های رشد اسلام حقیقی و پرورش شاگردان و مبارزان راستین را فراهم می‌کردند. این شیوهٔ مخفی‌کاری در مبارزه که حتی گاهی به صورت همکاری موردی در راستای مبارزهٔ مستمر شیعه با نظام جور صورت می‌گرفت «تقیه» نامیده می‌شود. تقیه صرفاً یک رفتار سیاسی نبود بلکه یک وظیفهٔ شرعی بود که حرکت‌های سیاسی در شرایط مختلف و دشوار را تداوم می‌بخشید.

## ۳ | حرکت سیاسی تشیع بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

تاکنون به این موضوع اندیشیده‌اید که چرا امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به جای مبارزه، ۲۵ سال سکوت کردند و با خلفای عصر خود همکاری می‌کردند؟  
هنگام رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام تمام شبه جزیره عربستان را فراگرفته بود، اما هنوز از درون و بیرون آسیب‌پذیر بود. از یک سو قدرت‌های خارجی مثل روم و ایران که اسلام را خطری برای خود تلقی می‌کردند، وجود داشتند. از دیگر سو، عصبیان و حتی ادعای نبوت آن دسته از اعرابی که پس از فتح مکه مجبور به تسلیم شده

۱. این کتاب، مجموعهٔ بیانات مقام معظم رهبری دربارهٔ زندگی سیاسی و مبارزاتی ائمه معصومین است که توسط مرکز نشر انقلاب اسلامی منتشر شده است.

بودند، امکان شورش داخلی را افزایش می‌داد. همچنین با رحلت پیامبر، احتمال بازگشت برخی از قبایل تازه مسلمان به کفر نیز وجود داشت. در مدینه نیز جریان منافقین که قرآن کریم بسیار از آنها سخن گفته بود و به مسلمانان درباره آنها هشدار داده بود، در گروه‌هایی سازمان یافته بودند. در این شرایط، یک اختلاف و درگیری داخلی کافی بود تا اساس اسلام در معرض نابودی قرار بگیرد.

در این شرایط علی علیه السلام، بعد از اعتراضات اولیه و عدم پذیرش حاکمان، سیاست صبر و شکیبایی پیشه کرد تا کشور اسلامی که تازه شکل گرفته بود، به حیات خود ادامه دهد. آن حضرت، بعدها در یک خطبه سیاست خود را در عباراتی کوتاه و اندوه‌بار بدین سان بیان می‌دارد:

«دیدم صبر بر آنچه پیش آمده سزاوارتر است؛ پس در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشتم، صبر پیشه کردم.»<sup>۱</sup>

موقعیت حساس پس از رحلت پیامبر شیوه ظریفی از همکاری و رویارویی را می‌طلبد که ضمن محافظت از اصل اسلام، مانع از مشروعیت بخشیدن به انحرافی شود که در تاریخ اسلام آغاز شده بود.

## ۴ | انتقال حرکت‌های سیاسی از مرکز جامعه اسلامی به خارج از مرکز در سده سوم به بعد

حرکت‌های سیاسی تشیع در دو سده نخست بیشتر در مرکز جامعه اسلامی متمرکز بود؛ نظیر قیام امام حسین علیه السلام در مسیر مدینه، مکه و کوفه، قیام تواین و مختار<sup>۲</sup> در کوفه، قیام زید بن علی<sup>۳</sup> و قیام نفس زکیه<sup>۴</sup> در حجاز، قیام ابراهیم بن عبدالله<sup>۵</sup> در زمان خلافت عباسیان در عراق و نیز قیام فرزندان زید در حجاز و عراق. مبارزات سیاسی تشیع با وجود بازتاب‌های سیاسی وسیع و موفقیت‌های نظامی کوتاهی که در پاره‌ای از آنها به دست آمد، به سرعت سرکوب می‌شد. سرکوب شدید نهضت‌های شیعی که با کشتار بی وقفه علویان<sup>۶</sup> در دوران بنی‌عباس ادامه یافت، حرکت‌های سیاسی شیعه را به گریز از مرکز و مناطق مرکزی سرزمین اسلامی که به شدت تحت کنترل حکومت مرکزی بود، واداشت. و بدین‌رو این جنبش‌ها بیشتر در نواحی مرزی جامعه اسلامی و به دور از قدرت مرکزی استبداد ادامه یافت. البته حرکت‌های فکری و فرهنگی شیعی اندیشه‌های اعتقادی آن هم‌چنان در مرکز جامعه اسلامی از حضوری مستمر برخوردار بود و همواره

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. مختار بن ابی عبید ثقفی (۶۷۱ق) رهبر یکی از قیام‌ها برای خونخواهی امام حسین علیه السلام، از تابعین و اهل طائف است. مختار میزبانی مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین علیه السلام را در کوفه برعهده داشت و تا شهادت مسلم با وی همکاری کرد. وی هنگام واقعه کربلا در زندان عبدالله بن زیاد بود. وی بعد از شهادت امام از زندان آزاد شد و مدتی بعد علیه یزید قیام کرد و حاکم کوفه شد و بسیاری از قاتلان امام را به قتل رساند و بالاخره بعد از ۱۸ ماه حکومت به دست زبیریان به قتل رسید.

۳. زید، فرزند امام سجاد علیه السلام که هم‌عصر با امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود، در مدینه به دنیا آمد. او در زمان هشام بن عبدالملک در کوفه قیام کرد اما قیام او به سرعت سرکوب شد و بدنش را به شام فرستادند و به دار آویختند سپس جنازه‌اش را سوزاندند و خاکسترش را بر باد دادند.

۴. محمد بن عبدالله بن حسن، معروف به نفس زکیه است که در زمان امام صادق علیه السلام در حجاز علیه عباسیان قیام کرد و در نزدیکی مدینه به قتل رسید.

۵. ابراهیم بن عبدالله (۱۴۵-۹۷ق)، از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام، برادر نفس زکیه و دومین قیام‌کننده علیه خلافت بنی‌عباس است. او پس از برادر خود نفس زکیه در برابر منصور عباسی قیام کرد و در نزدیکی کوفه کشته شد.

۶. علویان، یعنی منسوب به امام علی علیه السلام. علویان گروه‌هایی از خاندان امیرالمؤمنین و پیروان آنها بودند که در دوره خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس علیه حاکمان ستمگر مبارزه می‌کردند.

با اثرگذاری بر گروه‌های مخالف، آنها را به واکنش می‌کشاند.

## ۵ | ظهور قدرت‌های شیعی

نیمه اول سده چهارم شروع غیبت کبراست. امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبت کبرای خود را در سال ۳۲۹ ق آغاز کرد. در این مقطع، از یک سو اسلام در معنای گسترده خود و از سویی دیگر تشیع از موقعیتی تثبیت شده برخوردار بودند و این در حالی بود که به هنگام رحلت پیامبر، جایگاه هر دو متزلزل و آسیب‌پذیر بود. در زمان شروع غیبت کبرا، اسلام به عنوان فرهنگ غالب در سراسر جهان متمدن آن روز استیلا یافته بود؛ چنان که هیچ خطر سیاسی اساس اسلام را تهدید نمی‌کرد.

اولین جوانه‌های قدرت سیاسی تشیع، پس از گریزهای مکرر به نواحی مرزی، شکوفا شد و از نظر اعتقادی نیز اندیشه‌های شیعی در نواحی مختلف اسلامی محور بحث‌ها و گفت‌وگوها قرار گرفت. دولت ادرسیان در سرزمین مغرب و دولت علوی در طبرستان، از اولین جنبش‌هایی بودند که پیش از آغاز غیبت با بهره جستن از جاذبه‌های سیاسی شیعه در مقابل قدرت بنی عباس ایستادند و دوام یافتند. دولت علوی اطروش در طبرستان و دیلم، دولت فاطمیان در شمال آفریقا و مصر، دولت حمدانیان در نواحی سوریه و اذنه، دولت بنی‌عمار در طرابلس و دولت بنی‌مرداس در شام از جمله قدرت‌های شیعی هستند که در غرب جامعه اسلامی بیشترین نیروی خود را در دفاع از سرزمین اسلامی و نزاع با رومیان به کار بستند. در این میان آل بویه قوی‌ترین دولتی است که هم‌زمان با غیبت کبرا تأسیس شد و بیش از یکصد سال (تا سال ۴۴۷ ق) به حیات خود ادامه داد.



## ۶ | توسعه حرکت‌های سیاسی و پیدایش زمینه‌های انحراف

ظهور جریان‌ها، دستیابی به اقتدار و حرکت‌های سیاسی آنها، مبتنی بر عقاید و باورهای آنهاست. اما باید توجه داشت که میان حرکت‌های سیاسی و اعتقادی یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن، اینکه مسائل اعتقادی، به سرعت در جامعه فراگیر نمی‌شود و حرکتی تدریجی دارد زیرا هم به آموزش و تفکر و هم به ترویج و تبلیغ در عرصه جامعه نیازمند است.

اما حرکت سیاسی از سرعت زیادی برخوردار است. گاه با یک پیروزی، منطقه‌ای وسیع در حوزه اقتدار سیاسی یک نیرو قرار می‌گیرد. یعنی ممکن است یک جریان به سرعت بتواند منطقه جغرافیایی وسیعی را تحت کنترل خود درآورد اما باورهای افراد را نمی‌تواند به سرعت با خود همراه سازد، زیرا تغییر باورها و عقاید افراد نیازمند آموزش‌های برنامه‌ریزی شده و تدریجی است که مستلزم زمان زیادی است. بنابراین تشکیل یک حکومت سیاسی، بدون اینکه مبانی اعتقادی آن در میان مردم شناخته شده و گسترش یافته باشد، موجب انحراف آن حرکت سیاسی از مبانی اعتقادی خود می‌گردد.

با توجه به این حقیقت بود که با وجود تشکیل برخی حکومت‌ها به نام تشیع و گسترش آن در برخی نواحی، اما انحرافات در افکار و عقاید آنان رخ داد و فرقه‌های متعدد شیعی در قرن‌های اولیه پدیدار شد. پیدایش بسیاری از این فرقه‌ها بدان دلیل بود که دسترسی به اندیشه‌های اصیل امامان معصوم و شاخص‌هایی که آنان مشخص کرده بودند، برای همه میسر نبود و برخی از این رهبران سیاسی مطابق با برداشت و سلیقه شخصی خود نظری را به امامان نسبت می‌دادند و همان را میان مردم تبلیغ می‌کردند. همین امور سبب پیدایش فرقه‌هایی مانند زیدیه و کیسانیه در تاریخ شیعه شد.

اما با ظهور شاخص‌های علمی شیعه در سطح جامعه اسلامی که نتیجه دو سده تلاش فکری امامان شیعه است و نیز تدوین آثار شیعه که هم‌زمان با غیبت صغرا به صورت کتاب‌های جامع روایی و فقهی شکل می‌گیرد، زمینه فرقه‌سازی‌هایی از این گونه کمتر شد و انحرافات بعدی بیشتر در حد انحراف سیاسی باقی ماند و به استبدادی بدل شد. یعنی این حکومت‌ها گرچه به ظاهر و به نام شیعی بودند، اما معمولاً با روش استبدادی حکومت می‌کردند و بسیاری از اعتقادات تشیع مانند عدالت را رعایت نمی‌کردند.

در سده سیزدهم موج جدیدی از فرقه‌سازی در بخش‌های مختلف جامعه اسلامی ایجاد شد که از زمینه‌ها و انگیزه‌های سیاسی جدیدی مایه می‌گرفت که البته به سرعت رو به افول نهاد. ما به این موضوع در درس‌های آینده خواهیم پرداخت.



ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلبی رازی از بزرگ‌ترین محدثین شیعه در قرن سوم و چهارم هجری بود و در عهد غیبت صغرا زندگی می‌کرد. در زمان امام یازدهم در حوالی شهر ری به دنیا آمد. برای تحصیل به قم آمد و مدت‌ها در قم بود. سپس برای دستیابی به روایت مسافرت‌های زیاد کرد و حامل روایات زیاد شد. مهم‌ترین کتاب روایی وی «کافی» نام دارد که شامل اصول و فروع است، که از مهم‌ترین کتاب‌های روایی شیعه بوده است.

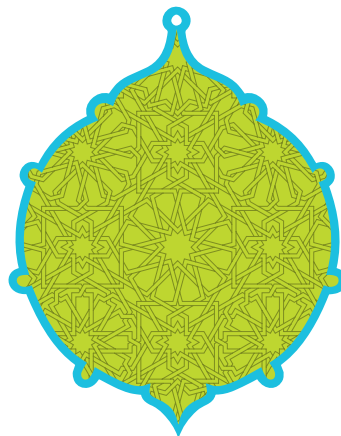
## اندیشه و تحقیق

- ▶ چرا فرقه‌های شیعی، بیشتر در صدر اسلام شکل می‌گرفتند؟
- ▶ چرا حرکت‌های سیاسی سریع‌تر از عقاید و باورها، شکل می‌گیرند؟



## منابعی برای مطالعه بیشتر

- ▶ تاریخ فرق اسلامی (دو جلد)، حسین صابری، انتشارات سمت
- ▶ تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، نشر علم



## حضور علمای شیعه در حکومت صفویه



در درس اول با سه نیروی مذهبی، استبداد و نیز منورالفکری که به تدریج و بر اثر تماس ایران با غرب در حال شکل گیری بود، آشنا شدیم و گفتیم که هر یک از این نیروها آرمان‌های خود را دنبال می‌کردند. اما قابل ذکر است که از ابتدای پیدایش حکومت‌های مستقل در ایران پس از اسلام، در عین حضور فکری و سیاسی فزاینده و فعال تشیع، ساخت سیاسی قدرت در اغلب دوره‌های تاریخی مثل دوران سلجوقیان، خوارزمشاهیان و تیموریان تا دوره قاجار، ساختی ایلاتی و عشایری داشت که قدرت خود را از مناسبات ایلاتی می‌گرفت. ایل نام طایفه یا قبیله‌ای از مردم است که در نژاد و مذهب اشتراک دارند و در سرزمینی مشخص زندگی می‌کنند. روابط قدرت در ایل مبتنی بر روابط خونی و نسبی با رهبری شخصی معین است. این شکل از قدرت سیاسی را استبداد ایل می‌نامیم.

### استبداد ایل

استبداد ایل، حکومتی مطلق، بدون محدودیت و خودسرانه شخص یا گروهی از یک طایفه است که امیال و منافع خود، طایفه خود و قبایل متحد با خود را در سر می‌پروراند. البته این استبداد ایلی، به دلیل حضور مقتدر دین در جامعه، می‌کوشد از پوشش دینی هم بهره برد و در مواردی نیز به ناچار در راستای انتظارات دینی جامعه گام برمی‌دارد. بنابراین در اغلب دوره‌های تاریخی ایران این نیروی استبداد است که قدرت را در دست دارد هر چند گاهی خود را حکومت دینی نامیده و از مفاهیم دینی پوشش می‌گیرد. نیروی مذهبی نیز، از همان ابتدا به عنوان جریان رقیب، حضور اجتماعی فعال داشته و همواره در یک مواجهه عقلانی با حاکمان جور، اعتراض و مبارزه و در برخی موارد همکاری مشروط و محدود یا اتخاذ سیاست منفی و ترک همکاری را در دستور کار خود قرار داده است.

البته در دوره صفویه، شرایط برای حضور جدی علمای شیعی در مرکز قدرت فراهم می‌شود و دو نیروی استبدادی و مذهبی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. بررسی تعاملات این دو نیرو در دوره حکومت صفویه و تحولاتی که در نیروی مذهبی پدید می‌آورد، موضوعی است که آن را در این درس مورد بررسی قرار می‌دهیم.

با استفاده از کتاب درسی تاریخ، گزارشی از حکومت‌هایی که نام «ایل»‌های خود را بر سلسله حکومتی خود گذاشته‌اند، تهیه و در کلاس ارائه کنید.

### رابطه جریان شیعی و نیروی استبدادی ایل صفوی

نفوذ معنوی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندان او در میان ایل‌های متحد و متعددی که به ایلات قزلباش معروف بودند، آنها را به صورت رهبرانی مذهبی درآورد که از قدرت سیاسی و نظامی نیز بهره‌مند بودند. قدرت سیاسی و نظامی صفویه که براساس روابط ایلاتی شکل گرفته بود، در حرکت سیاسی خود از شعارهای شیعی بهره برد که در مناطق مختلف ایران، زمینه پذیرش بسیار داشت.

این حکومت برعکس حکومت‌های قبلی از همان ابتدا شکل مذهبی به خود گرفت و توانست نیروی دوم، یعنی نیروی مذهب را پشتیبان خود قرار دهد. دعوت شاهان صفوی از علمای شیعه نیز در همین راستا قابل تحلیل است. این دعوت، پذیرش و حمایت مردمی را در پی داشت و پادشاهان صفوی را قادر به مواجهه با رقیب خود یعنی امپراتوری عثمانی می‌ساخت. در مقابل، اقتدار و توسعه معرفت دینی، بیش از پیش استبداد ایلی را محدود نمود و رعایت نمادها و ظواهر دینی و همچنین فقه سیاسی تشیع را نیز بر پادشاهان صفوی تا حدودی تحمیل کرد و آنها را ناچار می‌کرد که تا حدودی از آن سنت‌های ابتدایی ایلی خارج شوند و به برخی حقوق و احکام دینی گردن نهند. بدین ترتیب در تمام مدت حاکمیت صفویه دو قدرت در جامعه ایران در عرض یکدیگر قرار گرفتند، یکی قدرت دربار و شاه که متکی به نیروی نظامی ایل بود و دیگری قدرت علمای مذهبی که بر نیروی ناشی از اعتقاد دینی مردم تکیه داشت.

هر چند نیروی مذهبی و نیروی استبداد به‌عنوان دو نیروی رقیب در دوره صفویه، به تناسب شرایط اجتماعی به همکاری با یکدیگر می‌پرداختند، اما نیروی مذهبی در عملکرد سیاسی خود هرگز از قلمرو فقه سیاسی تشیع که قبلاً توضیح داده شد، بیرون نرفت و در هیچ مقطعی — حتی به هنگام اوج همکاری با رقیب — پادشاهی و استبداد را در چارچوب فقه سیاسی خود قرار نداد و تبیین شیعی از استبداد ارائه نکرد. به همین جهت کتابی که حاوی تأیید و تبیین علمای شیعی از شیوه حکومت پادشاهی و ایلی باشد، تألیف نشد.

### تحولات رابطه نیروی مذهبی و استبداد ایل

از آنجا که جریان‌شناسی دوره معاصر نیازمند شناخت دوره صفویه است، لذا بهتر است تحولات اجتماعی و رابطه جریان مذهبی با صفویه را بیشتر بررسی کنیم، البته در این دوره، هنوز نیروی سوم که نیروی منورالفکری است، شکل نگرفته و جامعه همچنان تنها تحت تأثیر دو نیروی مذهبی و استبداد است. رابطه نیروی مذهبی و پادشاهان صفوی در دوره‌های مختلف، دچار تحولات فراوانی می‌گردید، به این صورت که گاهی صورت قبیل‌های و گاهی صورت دینی حکومت پررنگ‌تر می‌شد؛ به عنوان نمونه شاه اسماعیل، اولین پادشاه صفوی، با



طرح شعارهای مذهبی از رنگ قبیله‌ای حرکت سیاسی خود کاست و شکل مذهبی آن را برجسته‌تر ساخت. او توانست با استفاده از جاذبه‌های سیاسی تشیع، حاکمیت خود را گسترش دهد. به دنبال این رویکرد، انتظارات اجتماعی در چهارچوب فقه سیاسی شیعه فزونی یافت و این امر به صورت واقعیتی اجتماعی، سبب حضور عالمان شیعی در حوزه حکومتی شاه اسماعیل شد و بستری پدید آورد که عالمان شیعی از نقاط مختلف دنیای اسلام به سوی حوزه حکومت صفویان مهاجرت کنند و در قزوین و اصفهان ساکن شوند.

در زمان شاه طهماسب با حضور محقق کرکی در ایران، نیروی مذهبی نقش اول را یافت. محقق کرکی از فقهای جبل عامل لبنان و از بزرگان فقهای شیعه است. وی در شام و عراق تحصیلات خود را تکمیل کرد و سپس به ایران آمد و منصب شیخ الاسلامی<sup>۱</sup> برای اولین بار به ایشان داده شد. بعد از وی، منصب شیخ الاسلامی به شاگردش، شیخ علی منشار و پس از وی، به شیخ بهایی رسید. آمدن محقق کرکی به ایران و تشکیل حوزه درسی در قزوین و سپس در اصفهان و پرورش شاگردان برجسته در فقه، سبب شد پس از قرن‌ها، بار دیگر ایران مرکز فقه شیعه شود.<sup>۲</sup> شاه طهماسب با استناد به روایت امام صادق (ع) در خصوص رجوع به روایان احادیث، مخالف با محقق کرکی را ملعون می‌شمارد.<sup>۳</sup> اما شاه اسماعیل دوم بر خلاف شیوه پدر، در کاستن از نفوذ نیروی مذهبی کوشید و از این زمان به بعد تا دوران شاه عباس، دو نیروی مذهبی و دربار درگیری‌های آشکار و پنهانی داشتند. رفتار شاه عباس با مقامات مذهبی گرچه همچون زمان شاه طهماسب نبود، اما حفظ برخی از ظواهر شرعی از جمله ویژگی‌های اوست.

پس از شاه عباس، نیروی مذهبی و دربار به عنوان دو نیروی رقیب در عرصه اجتماع ظاهر شدند، تا اینکه در زمان شاه سلطان حسین، نیروی مذهبی نسبت به دربار قدرت و برتری بیشتری یافت که این خود ناشی از قدرت معنوی و علمی علامه مجلسی بود. دربار شاه سلطان حسین تا وقتی که علامه مجلسی حضور داشت به دلیل قدرت و توان اجتماعی او به ناچار ظواهر شرعی را رعایت می‌کرد، ولی با رحلت علامه مجلسی، قدرت دربار برتری یافت و فساد اخلاقی آن آشکار شد و بساط عیش و نوش، دیگر بار برقرار گشت.

## اندیشه

چرا برخی از پادشاهان صفوی به دنبال محدود کردن حضور و اختیارات علمای شیعه بودند؟

۱. شیخ الاسلامی، مقامی بود که پادشاه صفوی به یکی از دانشمندان و فقهای برجسته زمان خود می‌داد. شیخ الاسلام، امور دینی جامعه را مدیریت می‌کرد و سایر فقها و دانشمندان دینی، زیر نظر وی قرار می‌گرفتند.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، ص ۷۳. استاد مطهری در این کتاب می‌گوید: «فقهای جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران صفویه داشته‌اند. چنان که می‌دانیم صفویه درویش بودند. راهی که ابتدا آنها بر اساس سنت خاص درویشی خود طی می‌کردند اگر با روش فقهی عمیق فقهای جبل عامل تعدیل نمی‌شد و اگر به وسیله فقها، حوزه فقهی عمیقی در ایران پایه‌گذاری نمی‌شد به چیزی منتهی می‌شد نظیر آنچه در علوی‌های ترکیه و یا شام هست. این جهت تأثیر زیادی در اینکه اولاً روش عمومی دولت و ملت ایرانی از آن گونه انحرافات مصون باشد و ثانیاً عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری طی کند. از این رو فقهای جبل عامل از قبیل «محقق کرکی» و «شیخ بهایی» و دیگران با تأسیس حوزه فقهی اصفهان حق بزرگی به گردن مردم این مرز و بوم دارند.»

۳. محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۴، ص ۳۶۲.

## جریان‌های داخل نیروی مذهبی و شیعی در عصر صفویه

در دوران صفویه با شکل‌گیری و رونق حوزه علمیه اصفهان و رواج پژوهش و گفتگوهای مستمر علمی، ابعاد اعتقادی و فقهی شیعه، رشدی همگون یافت و با تبلیغ و تلاش مستمر عالمان شیعی، تشیع به صورت مذهب رسمی و واحد ایران درآمد و در میان مردم جایگاهی ویژه یافت. بدین سان در پایان دوران صفویه، تشیع جایگاهی استوار داشت و دستخوش نابسامانی نگردید. در این عصر دو جریان فکری مؤثر و بزرگ در نیروی مذهبی و شیعی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت: یکی جریان اخباری و دیگری جریان اصولی. همچنین یک جریان فلسفی قوی آغاز به رشد کرد که تأثیر فراوانی در جریان اصولی داشت. تقسیم جریان شیعی به «اخباری» و «اصولی»، تقسیمی عقیدتی در جامعه شیعی نیست. بلکه تقسیمی در حوزه فروع عملی و احکام فقهی است. به همین جهت اصولی‌ها و اخباری‌ها هر دو اصول اعتقادی مشترک و فروع دینی واحد دارند. تنها اختلاف میان آنها در روش علمی و چگونگی استنباط احکام شرعی از متون دینی است گرچه این اختلافات البته ریشه‌ای کلامی و فلسفی دارد و متأثر از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی است.

### ۱ | اصول‌گرایی

اصول‌گرایان شامل فقهای معتقد به خط‌مشی و روش‌های اجتهادی می‌شوند که در روش‌های خود به عقل و استدلال‌های عقلی در استنباط احکام شرعی از متون دینی بها می‌دهند و با عنوان «فقهای اصولی» شناخته می‌شوند. این جریان فقهی عقیده دارند که عالمان شیعی بزرگ، مانند شیخ مفید، شیخ طوسی و علامه حلی دارای همین روش بودند و به عقل اهمیت می‌دادند. دفاع استدلالی و برهانی از دین، ضمن آنکه زمینه گسترش فزاینده فقه شیعه را در حوزه‌های علمی فراهم آورد، در عرصه سیاست و اجتماع نیز پیامدهای مهمی داشت. توسعه شیوه اصولی در اولین مرتبه، رابطه عالمان دینی با مردم را به صورت رابطه اجتهاد و تقلید تحکیم بخشید؛ یعنی افراد حکم رفتار خود در عرصه‌های فردی و اجتماعی را از مجتهد جویا می‌شدند و بر اساس آن دست به عمل می‌زدند. بنابراین نفوذ و تأثیر فقه در عرصه فرهنگ و رفتارهای فردی و اجتماعی تقویت شد. در مرتبه دوم زمینه را برای استنباط احکام جدید، به خصوص در عرصه سیاست و اجتماع فراهم آورد، به خصوص احکامی که مربوط به حوزه سیاست و قضاوت بود. صدور احکام قضایی و حکومتی، تحولاتی را در سطوح کلان دستگاه قضایی و نظام سیاسی به دنبال داشت.

### ۲ | اخباری‌گری

اخباری‌گری، رویکردی است که بای‌اعتنایی به عقل در استنباط احکام شرعی، به احادیث و آیات تفسیر شده با احادیث اکتفا می‌کند. استاد شهید مطهری می‌گوید: «مقارن با ظهور صفویه در ایران جریانی پیش آمد و فرقه‌ای ظاهر شدند که حق رجوع مردم عادی (غیر معصوم)

را به قرآن مجید ممنوع دانستند، مدعی شدند که تنها پیغمبر و امام حق رجوع به قرآن را دارند، دیگران عموماً باید به سنت یعنی اخبار و احادیث رجوع کنند. این گروه همان طور که رجوع به قرآن را ممنوع اعلام کردند، رجوع به اجماع و عقل<sup>۱</sup> را نیز جایز ندانستند زیرا مدعی شدند که اجماع ساخته و پرداخته اهل تسنن است، عقل هم به دلیل اینکه جایز الخطا است قابل اعتماد نیست، پس تنها منبعی که باید به آن رجوع کرد اخبار و احادیث است. از این رو این گروه «اخباریین» خوانده شدند... سر دسته این گروه مردی است به نام «امین استر آبادی» که در «کلیات منطق» فصل «ارزش قیاس» از او نام بردیم. کتاب معروفی دارد به نام فواید المدینه و عقاید خود را در آن کتاب ذکر کرده است. اهل ایران است اما سال ها مجاور مکه و مدینه بوده است.<sup>۲</sup>

بنابراین عنوان «اخباری» یا «اخباریان» در کتاب های فقهی، برای گروهی از فقه های شیعه به کار می رود که خط مشی عملی آنان در دستیابی به احکام شرعی و تکالیف الهی، مراجعه صرف به اخبار و احادیث است، نه استفاده از روش های اجتهادی و اصولی و با مراجعه به چهار منبع اجتهاد.

گرایش های اخباری که به صورت گرایش فرعی در مقطعی از تاریخ اندیشه شیعی در حال رشد بود، اگر بر جریان اصولی غلبه پیدا می کرد و در متن شیوه فقهی شیعه قرار می گرفت، افزون بر آنکه دست شریعت را از پاسخ به مسائل جدید کوتاه می کرد و دینداران را از حضور فعال در عرصه اجتماعی و سیاسی باز می داشت و رابطه عالمان دینی با مردم را به رابطه نقل کننده و شنونده حدیث، تقلیل می داد. عالم دینی از این منظر، حق نظریه پردازی و استدلال در خصوص مسائل خرد و کلان مسائل اجتماعی، قضایی، اقتصادی و سیاسی را به دست نمی آورد و عملاً دین نمی توانست پاسخگوی مقتضیات زمان باشد و در آن صورت، از عرصه زندگی مردم خارج می شد.

افکار و اندیشه های دو جریان اصولی در عصر صفویه			
جریانات فکری ↓	روش استنباط احکام شرعی	هدف از فعالیت علمی	نتایج فعالیت ها
جریان اصولی ←	اتکای به عقل و روش های عقلی جهت استنباط احکام	دفاع استدلالی و برهانی از دین	رابطه اجتهادی - تقلیدی میان عالمان دین با مردم
			استنباط احکام جدید در عرصه سیاست و اجتماع
جریان اخباری ←	اکتفا به احادیث و آیات تفسیر شده با احادیث جهت استنباط احکام	کشف دیدگاه شریعت نسبت به اتفاقات پیش آمده (نه مسائل جدید)	رابطه نقل کننده - شنونده حدیث میان عالمان دینی و مردم
			عدم توانایی پاسخگویی به مسائل جدید

۱. بنابر نظر فقه های اصولی منابعی که می توان احکام دینی را از آنها به دست آورد، چهار منبع است: قرآن، سنت پیامبر و امامان علیهم السلام، عقل و اجماع. منظور از اجماع این است که فقه های دوره های قبل درباره یک مسئله فقهی نظر واحد داشته باشند، یعنی نظر جمع آنان یکی باشد. واحد بودن نظر جمعی فقها

علامت آن است که آنان با استفاده از روایت و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا یکی از امامان به این نظر واحد رسیده اند.

۲. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، صص ۳۱-۳۰.

## موقعیت نیروی مذهبی از صفویه تا قاجار

در دوران صفویه با تبلیغ و تلاش مستمر عالمان شیعی، تشیع به صورت مذهب رسمی و واحد ایران درآمد و در میان مردم تمام نقاط، جایگاه ویژه خود را یافت و این وحدت اندیشه که در سطح عموم با موعظه و جدال احسن، همراه بود، به تدریج چنان مستحکم شد که از آن به بعد کشور ایران با هویت شیعی خود شناخته شد و مهم‌ترین عامل انسجام درونی و ایستادگی در برابر تهدیدات بیگانه محسوب گردید.

در دوران صفویه با شکل‌گیری حوزه علمیه اصفهان و رواج تشیع، تحقیق و گفت‌وگوهای مستمر علمی، ابعاد اعتقادی و فقهی شیعه رشد همگون و همسان خود را پیدا کرد و در نتیجه، بسیاری از زمینه‌های انحرافی که در اثر عوام‌فریبی و خلأ شاخص‌های اعتقادی به وجود می‌آید، از میان رفت.

حوزه اصفهان، محل برخورد و تضارب افکار جریان‌های مختلف روایی، عرفانی، فلسفی، کلامی و فقهی و اصولی‌ای شد که در سده‌های پیشین در بخش‌های مختلف، مراحل رشد خود را گذرانده بود.

عرفان اسلامی که تا سده نهم در قالب شیوه‌های صوفیانه و از راه اقطاب آنها ظهور و بروز اجتماعی می‌یافت، از این پس، حیات اجتماعی خود را در قالب فقه سیاسی شیعه سازمان می‌بخشید و در قالب‌هایی که انطباق کامل با فقه و شریعت داشت، حرکت کرد. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

«از سده دهم به بعد، ما در جهان شیعه به افراد و گروه‌هایی برمی‌خوریم که اهل سیر و سلوک و عرفان عملی بوده‌اند و مقامات عرفانی را به بهترین وجه طی کرده‌اند، بدون آنکه در یکی از سلسله‌های رسمی عرفان و تصوف وارد شده باشند بلکه اعتنایی به آنها نداشته و آنها را کلاً و بعضاً تخطئه کرده‌اند. از خصوصیات این گروه که ضمناً اهل فقاقت هم بوده‌اند، وفاق و انطباق کامل میان آداب و سلوک و آداب فقه است.»<sup>۱</sup>

## عدم توازن میان تحولات فکری غرب و حرکت فکری در ایران

می‌توان گفت که ظهور ملاصدرا در عصر صفویه و تأسیس مکتب فلسفی حکمت متعالیه در ایران با طرح اندیشه‌های دکارت در اروپا تقریباً هم‌زمان بود. با اینکه دکارت در قرن هفدهم میلادی در اروپا زندگی می‌کرد و از بنیان‌گذاران اروپای جدید و مدرنیسم به‌شمار می‌رود. بعد از اوست که تحولات فکری و اجتماعی سرعت بیشتری گرفت و در قرن‌های هیجده و نوزده به اوج خود رسید.

این دو شخصیت، دو جریان فکری مقابل یکدیگر را داشتند که می‌توان گفت در دو نقطه مقابل هم بودند البته اندیشه‌های ملاصدرا و مکتب فلسفی وی متکی بر یک سابقه فلسفی قوی بود که از لابلای جدال فکری و فلسفی و کلامی و عرفانی شخصیت‌هایی چون فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، فخر رازی، غزالی و ابن‌عربی برآمده بود و یک جهان‌معارف در دل خود داشت. اما اندیشه‌های دکارت از چنین غنایی برخوردار نبود، اما هماهنگ و متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی عصر بود که در حال شکل‌گرفتن بود. البته از لحاظ سیر تاریخی، اندیشه‌های دکارت با ظهور فیلسوفان بزرگ دیگر در طول چند قرن به یک جریان فکری، اجتماعی و سیاسی بزرگ انجامید که همه جهان را تحت تأثیر قرار داد. اما ما شاهد اوج‌گیری فکر و اندیشه

۱. خدمات متقابل اسلام در ایران، انتشارات صدرا، ۶۶۴

در ایران و جهان اسلام مشابه با آنچه در غرب رخ داد، نیستیم و همین امر سبب ناتوانی ما در رقابت با غرب گردید. در حالی که در غرب هزاران فیلسوف و متفکر در حال تحقیق و نظریه پردازی در زمینه‌های مختلف فلسفی و اجتماعی و سیاسی بودند، تحول چشمگیری در جهان اسلام و ایران صورت نمی‌گرفت؛ به طوری که می‌توان گفت از اواخر حکومت صفویه و در دوره افشاریه و زندیه تا اواسط دوره قاجار، تحولات فلسفی و اجتماعی غرب بر متفکرین مسلمان پوشیده مانده و از آن بی‌اطلاع و یا کم‌اطلاع بودند.

در اواسط دوره قاجار، که موج استعمارگری غربیان به ایران رسید، متفکرین مسلمان به عمق ماجرا پی بردند و خود را در مقابل تهاجم بزرگ اندیشه‌هایی یافتند که با اساس و بنیان دین در تضاد و مخالفت بود؛ اندیشه‌هایی که از پشتوانه وسیع تبلیغاتی، با هزاران کتاب، روزنامه و مجله پشتیبانی می‌شد.

بنابراین، با اینکه از دوره صفویه تا قاجار جریان اصولی بر فقه حاکم بود و فلسفه صدرایی غلبه چشمگیری داشت و چهره‌هایی مانند حکیم سبزواری، ملاعبدالله زنوزی و آقا محمدرضا قمشه‌ای در فلسفه و عرفان، وحید بهبهانی، کاشف الغطاء، شیخ انصاری و آخوند خراسانی در فقه و اصول ظهور کردند، اما به دلیل حکومت‌های ایلی که یکی پس از دیگری می‌آمدند و با استبداد ایلی حکومت می‌کردند، یک فعالیت فکری گسترده و با نشاط شکل نمی‌گرفت. فعالیت فکری و فرهنگی موجود هم متناسب با تهاجم مدرنیسم به جهان اسلام نبود. البته مایه‌های فلسفی و کلامی و عرفانی و فقهی تولید شده در طول چند قرن گذشته این استعداد را داشت که در بستر یک تحول فرهنگی گسترده مورد بازخوانی مجدد قرار گرفته و منبع عظیم تحولات آینده قرار گیرد.

### اندیشه و تحقیق

- ▶ چرا علمای شیعه حضور در دربار صفویه را پذیرفتند؟
- ▶ در خصوص تفاوت عملکرد سیاسی - اجتماعی علمای اصولی و اخباری در دوره صفویه تحقیق کنید.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

- ▶ حدیث پیمانه
- نوشته حمید پارسانیا، فصل اول از صفحه ۷۵ تا ۹۷